ادامه از صفحه ۵

۷۰ هزار شغل دستاورد ۶ ساله احمدی‌نژاد

صرف‌نظر از محتوای برنامه اشتغال‌زایی دولت در سال ۹۷ اختلاف رقم منابع مورد نیاز این برنامه و منابع در نظر گرفته‌شده در تبصره «۱۸» رقمی بالغ بر ۲۵۰ هزار میلیارد ریال است که مشخص نیست برنامه دولت برای این اختلاف منابع چیست. در این باره چه رویکردی دارید؟

این هم پرسش ناتمام بودجه است. هرساله دولت یک‌سری از منابع را که صرف بخش‌های توسعه‌ای است، در انتهای سال به بخش‌های هزینه‌ای منتقل می‌کند. یعنی این منابع را صرف کسری بودجه خود می‌کند. منابعی هم که امسال در نظر گرفته، شامل همین قاعده است. هزینه‌هایی که منابع آن دقیقا مشخص نیست. بودجه‌ها به صورت حسابداری بسته می‌شود. مثلا افزایشی را در منابع در نظر می‌گیرند اما میزان تحقق آن محل سؤال است. یک‌سری از هزینه‌هایی هم که در برخی بخش‌های بودجه عنوان شده، منابع آن مشخص نشده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ابتدای سال ۹۶، برنامه اشتغال فراگیر را تدوین کرد. اما با وجود انتقادات وارده بر آن، این برنامه اولین و تنها الگوی استراتژیک درخصوص بازار کار است. به نظر شما این برنامه توانسته راهگشا باشد؟

مشکل ریشه‌ای‌تر در این طرح‌ها وجود دارد؛ مثلا برای اشتغال‌زایی سازمان مسئول را وزارت کار می‌دانند در حالی که وزارت کار یکی از اجزائی است که در مقاطع دولتی با بازار کار سروکار دارد؛ برای مثال برای اینکه طرح اشتغال‌زایی اجرا شود، باید وزارت کار با بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان برنامه هماهنگ باشد. زمانی طرح می‌تواند اشتغال فراگیر ایجاد کند که یک فراگیری هم در نهادهای دولتی درگیر با مسئله اشتغال وجود داشته باشد. ظاهرا این طرح از سوی وزارت کار پیگیری شده است بنابراین خیلی نمی‌توانیم آن را مولد یک اشتغال گسترده بدانیم. ضمن اینکه این نشان می‌دهد دولت نقش خود را در این راه به درستی ایفا نکرده است.

طرح کاج، ظرفیت‌سازی، توسعه نهادی و کارآفرینی و اشتغال حمایتی نیز در برنامه دولت گنجانده شده است. در این طرح ۳۱۶ هزار فرصت شغلی از طریق تزریق ۲۱۵ هزار میلیارد ریال منابع پیش‌بینی شده است. به نظر شما می‌توان این انتظار را داشت که این طرح‌ها به عنوان راهبرد کلان و بلندمدت مشخص برای اشتغال‌زایی باشد؟

معمولا این طرح‌ها مقطعی و ادواری است چون در دوره‌هایی که درگیر رکود هستیم، بنگاه‌ها را تشویق به استخدام می‌کنند و به دنبال گردش منابع که در اقتصاد ایجاد می‌شود، از رکود خارج و این اشتغال مقطعی تبدیل به اشتغال پایدار می‌شود بنابراین نمی‌توان گفت راه‌حل اصلی تلقی می‌شود. معمولا در ۱۰ سال گذشته چنین طرح‌هایی با هدف کارآموزی نیروی کار اجرا شده است. بنابراین به دلیل مقطعی‌بودن راهکارها تحولی در بازار کار صورت نگرفته است. امکان دارد بخشی از نیازهای بازار کار را پوشش دهد اما نمی‌توان آن را راهبردی کلان دید.

دولت می‌تواند این طرح‌ها را به عنوان برنامه اشتغال‌زایی برای سال ۹۷ در نظر بگیرد و براساس آن، جهت‌دهی و رویکرد بودجه امسال را هدفمند کند؟

فکر نمی‌کنم. چون دولت نیز طرح دیگری را رونمایی کرده و منابع را از آن طریق می‌خواهد وارد بازار کار کند که این نشان می‌دهد دولت هم به این نتیجه رسیده که این طرح‌ها هم نمی‌تواند تحولی در بازار کار ایجاد کند. طرح ۶۷ هزار میلیارد تومانی به نوعی تأیید این است که این طرح‌ها جوابگوی نیازهای بازار کار نیست.

و به همین دلیل هم شاهد ریزش اشتغال و افزایش نرخ بی‌کاری بودیم؟ نه؟

مثلا گفته شده است وقتی چشم‌انداز بازار کار بهبود می‌یابد، بخشی از نیروی کاری که قبلا غیرفعال بوده‌اند به دنبال شغل می‌گردند و افزایش نرخ بی‌کاری از زاویه افزایش نرخ مشارکت بوده است.

شما این را قبول دارید؟

تا حدی درست است. به هر حال وقتی وضعیت اقتصاد تغییر می‌کند، کسانی که از جست‌وجوی کار مأیوس شده بودند به دنبال کار می‌گردند اما بعید به نظر می‌رسد این طرح‌ها جوابگوی نیازهای بازار کار باشد.

با توجه به این صحبت‌ها وضعیت اشتغال را در سال آینده چطور ارزیابی می‌کنید؟

اگر رشد اقتصادی سال آینده به چهار درصد برسد، با درنظرگرفتن عملکردهای پیشین نمی‌توانیم انتظار اشتغال‌زایی بالایی داشته باشیم مگر اینکه دولت طرح جدیدی داشته باشد و تغییر جدی در روند سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد که آن هم دیده نمی‌شود. اما موضوع این است که روندهای بلندمدت تنش‌زدایی در سیاست خارجی و تغییر چشم‌اندازهای کسب‌وکارها تأثیر مهم در اشتغال‌زایی دارد و دولت هم در سال‌های گذشته تلاش کرد از این مسیر اشتغال را تحریک کند اما علاوه بر این نیازمند سیاست‌های فعال بازار کار هستیم که دولت خیلی جدی دراین سیاست‌ها نبوده است و فقط شاهد سیاست‌گذاری‌هایی در سطح وزارت کار و نه در حد سازمان برنامه و هماهنگی‌های بین‌بخشی بوده‌ایم.

عکس: Reuters

جدایی‌طلبان با نیروهای دولت یمن در جنوب درگیر شدند

دعوای خودی‌ها

حدود شش سال از آغاز ناآرامی‌های یمن می‌گذرد؛ اما این کشور فقیر جهان عرب، به‌جای رسیدن به صلح و ثبات، هر روز بحران دیگری پیش‌روی خود می‌بیند. در حالی که قحطی و خشک‌سالی جان میلیون‌ها یمنی را به خطر انداخته و به چالشی برای بقای آنها بدل شده است، جبهه جدیدی در بحران یمن باز شده است. روز دوشنبه و پس از آتش‌بسی موقت، درگیری‌های شدیدی در شهر عدن میان نیروهای دولتی یمن و جدایی‌طلبان جنوب درگرفت. آمارهای متفاوتی از تعداد کشته‌شدگان این درگیری منتشر شده است. برخی خبرگزاری‌ها از کشته‌شدن حدود ۱۰ نفر خبر داده‌اند و برخی دیگر تعداد کشته‌شدگان را حدود ۲۰ نفر اعلام کرده‌اند. آن‌طور که الجزیره به نقل از وزارت بهداشت یمن گزارش داده، بیش از ۱۳۰ نفر هم در درگیری‌های دو طرف زخمی شده‌اند که حال ۹ نفر از آنها وخیم اعلام شده است. درگیری‌ها بعد از آن شدت گرفت که جدایی‌طلبان جنوب وابسته به «شورای انتقالی جنوب»، روز یکشنبه ساختمان برخی مراکز دولتی را در عدن تصرف کردند. اواخر روز یکشنبه، با دستور عقب‌نشینی فرماندهان دو طرف، درگیری به‌طور موقت متوقف شد؛ اما روز گذشته بار دیگر از سر گرفته شد. پس از آن، احمد ابن‌دغر، نخست‌وزیر یمن، جدایی‌طلبان را که بر اساس گزارش‌ها از سوی امارات متحده عربی حمایت می‌شوند، به انجام کودتا علیه دولت ربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری یمن، متهم کرد. نیروهای دولتی همچنین دست‌به‌دامن کشورهای همسایه عرب خود شده‌اند و از مقامات این کشورها خواسته‌اند برای آرام‌کردن بحران مداخله کنند.

این درگیری‌ها به بحران یمن ابعاد جدیدی داده است؛ چراکه بحران اکنون از درگیری میان حوثی‌ها که صنعا را در اختیار دارند و نیروهای دولتی مستقر در عدن، فراتر رفته و به تنش میان دو نیروی متحد رسیده است. نیروهای جدایی‌طلب جنوب یمن پیش از این، از متحدان نیروهای دولتی به رهبری ربه منصور هادی بودند و به همراه این نیروها علیه حوثی‌ها می‌جنگیدند.درگیری‌ها به مخالفت نیروهای جدایی‌طلب جنوب با نخست‌وزیر یمن برمی‌گردد. صدها نفر از جدایی‌طلبان شورای انتقالی یمن در عدن، علیه دولت فعلی این کشور دست به تظاهرات زدند و از ربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری در تبعید این کشور، خواستند کابینه تحت رهبری احمد بن‌دغر را برکنار کند. این شورا که دولت احمد بن‌دغر را به «فساد مالی» متهم می‌کند، تهدید کرده بود در صورت برکنارنکردن نخست‌وزیر، در عدن تحصن خواهند کرد. جدایی‌طلبان به دولت یمن برای برآورده‌شدن مطالبات خود تا روز یکشنبه وقت داده بودند. ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی «شورای انتقالی جنوب»، روز یکشنبه به پایان رسید و پس از آن درگیری‌ها بین جدایی‌طلبان جنوب و نیروهای دولتی در عدن آغاز شد. به گفته منابع نظامی در عدن، نیروهای جدایی‌طلب موفق به تصرف مقر دولت یمن در عدن و برخی نهادهای دیگر شدند. بنا بر اعلام این منابع، نظامیان عربستان و امارات متحده عربی حاضر در عدن، در درگیری‌های روز یکشنبه دخالتی نکردند. یکی از شهروندان یمنی که برای حمایت از شورای انتقالی جنوب به عدن آمده بود، روز گذشته به خبرگزاری‌ها گفت: «ما به تظاهرات خود ادامه می‌دهیم تا زمانی که رئیس‌جمهوری گامی جدی در راستای تغییر دولتی بردارد که کشور را به خشک‌سالی کشانده است». بر اساس گزارش‌ها، صدها نفر از استان‌های جنوبی در عدن گردهم آمده‌اند و خواستار استعفای دولتی شده‌اند که به گفته آنها فاسد است.

ائتلاف نظامی تحت رهبری عربستان، در واکنش به تنش‌ها در عدن، تأکید کرده است از نزدیک تحولات را زیر نظر دارد. با وجود انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اختلاف‌نظر میان ریاض و ابوظبی در بحران عدن، اما رسانه‌های نزدیک به سعودی و امارات با کم‌توجهی به تحولات عدن، بیشتر مواضع رسمی ائتلاف در دعوت طرفین به آرامش را بازتاب داده‌اند. امارات متحده عربی که از اعضای این ائتلاف است، از نیرویی به نام «کمربند امنیتی» در جنوب یمن حمایت می‌کند؛ این نیرو از حامیان «شورای انتقالی جنوب» است. رابطه جدایی‌طلبان با نیروهای دولتی از سال گذشته رو به تیرگی گذاشت. عبدربه منصور هادی در آن زمان عیدروس الزبیدی، فرماندار عدن را از کار برکنار کرد. فرماندار برکنارشده عدن یک ماه بعد «شورای انتقالی جنوب» را تشکیل داد. هدف از تشکیل این شورا، اداره استان‌های جنوبی این کشور و نمایندگی این استان‌ها در داخل و خارج یمن عنوان شد.

سخنرانی بی‌اهمیت سالانه در عصر ترامپ

جولیان زلیزر
تحلیلگر سیاسی

سخنرانی سالانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در نشست مشترک سنا و مجلس نمایندگان به‌نظر فصلی دیگر از دوران فعالیت سیاسی او را رقم خواهد زد. درحال‌حاضر سؤالات بسیاری ذهن مفسران را به خود درگیر کرده است: برنامه عمل ترامپ برای سال پیش‌رو چیست؟ آیا او سعی می‌کند از مباحث جنجالی چند ماه اخیر فاصله بگیرد یا از قضا سعی می‌کند بیش‌ازپیش با اتخاذ مواضع جنجالی، قانون‌گذارانی که به او چشم دوخته‌اند را حیران کند؟ واکنش دموکرات‌ها به سخنان او چه خواهد بود؟ تمامی این پرسش‌ها، سؤالات مهمی است، ولی حقیقت این است که سخنرانی سالانه کنگره دیگر آن‌قدرها اهمیت ندارد. این سخنرانی دیگر آن رخداد ملی‌ای نیست که همگان به آن چشم بدوزند. همه‌چیز تغییر کرده است؛ حتی افرادی که در آن سالن قرار است به آن سخنرانی گوش بسپارند. بدون تردید، سخنرانی سالانه کنگره همچنان برای اهالی سیاست در واشنگتن مسئله‌ای حیاتی و مهم است که تا چند روز بر تمامی مباحث دیگر سایه می‌افکند و همچنان ده‌ها میلیون نفر در سراسر آمریکا مشتاقند که این سخنرانی را ببینند و بشنوند. اما اینکه این رخداد تأثیر بسزایی بر سازوکار سیاسی حاکم بر واشنگتن خواهد داشت یا اینکه به ما مسیر آتی رئیس‌جمهور در سال جاری را نشان می‌دهد، هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. ما اکثرا دوست داریم درباره میزان تأثیرگذاری سخنرانی رؤسای‌جمهور بر افکار عمومی یا بر مسیر سیاسی در کنگره اغراق کنیم. این در حالی است که در فرهنگ مبتنی بر حافظه کوتاه‌مدت آمریکایی، اخبار و بالطبع افکار عمومی اگر نگوییم در عرض چند ساعت، حداکثر در عرض چند روز، از یک موضوع به موضوعی دیگر معطوف می‌شود. در جریان بی‌توقف اخبار ۲۴ساعته، گزارشگران در جست‌وجوی داستان بزرگ بعدی‌اند و هر خبری درباره رئیس‌جمهور به‌سرعت به دست فراموشی سپرده می‌شود. با وجود صدها شبکه تلویزیونی و سایت اینترنتی و همچنین سایت‌هایی پولی همچون «نتفلیکس» یا «هولا»، ذهن مخاطب می‌تواند به سمتی هدایت شود که این رسانه‌ها می‌خواهند.

سخنرانی سالانه کنگره نه‌چندان بر نگرش مردم درخصوص یک رئیس‌جمهور تأثیر می‌گذارد و نه تأثیر چندانی بر افکار عمومی درباره مباحث مطرح‌شده دارد. درواقع، افکار عمومی چنان در دهه‌های اخیر دوقطبی شده‌اند که یک رئیس‌جمهور نمی‌تواند کار چندانی برای تغییر عقاید مخالفان خود کند و البته دیگر نیازی به متقاعدکردن هواداران خود نیز نمی‌بیند. برای افرادی که به دنبال نقاط برجسته سخنرانی ترامپ هستند، آنها را می‌توانند از رسانه‌های خبری موردعلاقه خود به‌سرعت بخوانند یا بشنوند. حتی چکیده‌هایی کوتاه از سخنرانی رئیس‌جمهور که در شبکه‌های اجتماعی به وسیله میلیون‌ها نفر دست‌به‌دست می‌شود، بسته به دیدگاه‌های رسانه‌ها تلخیص می‌شود. وقتی گزارشگران هرآنچه رئیس‌جمهور می‌گوید را منعکس می‌کنند، تعدادی از روزنامه‌نگاران مطرح که از تریبون‌های قدرتمندی برخوردارند، این کار را از پس صافی ذهنی خود انجام داده و گرایش سیاسی خود را نیز در کار دخیل می‌کنند. درواقع آنچه رئیس‌جمهور بر زبان می‌آورد، به‌سرعت از یک صافی سیاسی عبور داده می‌شود. درواقع خبرنگاران اطلاعات را به نحوی منعکس می‌کنند که با پایگاه و جناح متبوع آنها سازگار باشد. درحالی‌که امروز خبرگزاری‌های متعددی وجود دارند که اخبار را به صورت مستقیم و بلافاصله پوشش می‌دهند، بخش عظیمی از تحلیل‌های خبری فرق چندانی با آنچه نمایندگان کنگره می‌گویند، ندارند. البته هنوز بخش‌های زیادی در رسانه‌های خبری وجود دارد که اخبار را با بی‌طرفی و بدون غرض‌ورزی پوشش می‌دهند. اما حتی این رسانه‌ها نیز از تحلیلگران و مفسرانی بهره می‌گیرند که دارای جهت‌گیری‌های سیاسی خاصی هستند. به همه اینها باید عنصر ترامپ را نیز اضافه کرد. ترامپ ید طولایی در گفتن چیزهایی دارد که حقیقت ندارند. توییت‌ها و سخنرانی‌های عمومی او مملو از اظهارنظرهایی است که هیچ بنیادی نداشته یا این‌قدر مبالغه‌آمیزند که یک کودک هم قادر به تشخیص آن است. ترامپ برخلاف بسیاری از اخلاف خود این کار را به چنان شکل ناشیانه‌ای انجام می‌دهد که در میان رؤسای‌جمهور آمریکا بی‌سابقه است. آن‌طور که اریک آلترمن در یادداشت اخیر خود برای مجله «نیشن» نوشته است: «دروغ‌گفتن رؤسای‌جمهور پدیده جدیدی نیست... اما آنچه درباره ترامپ تازگی دارد این است که او برای یک هدف سیاسی بزرگ‌تر یا پنهان‌کردن یک راز خطرناک و آسیب‌زا، دروغ نمی‌گوید. او در اکثر مواقع بدون هیچ دلیل خاصی فقط دوست دارد دروغ بگوید». بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که او بخواهد در سخنرانی سالانه کنگره نیز سخنی از نقشه راه آمریکا در ماه‌های پیش‌رو بگوید. البته اگر ترامپ می‌خواهد در سخنرانی خود حرف حسابی بزند، احتمالا به سراغ مسائل مهم و غامضی همچون زیرساخت‌ها و اصلاح قانون مهاجرت خواهد رفت. با این حال، او برای متقاعدکردن رقبای سیاسی و افکار عمومی باید با استدلال‌های درست، جدی‌بودن خود را نشان دهد. در زمانه‌ای که آمریکایی‌ها نسبت به واشنگتن و سیاست بسیار بدبین هستند، خوب است رخدادهایی سیاسی وجود داشته باشد که بر آنها احترام، توجه و منطق حاکم باشد. هرچند این چیزی نیست که بتوان از سخنرانی سالانه ترامپ در کنگره انتظار داشت. حتی برای آنهایی که این سخنرانی را می‌بینند یا می‌شنوند نیز همه‌چیز از خلال صافی گرایشات سیاسی دیده و شنیده می‌شود.

توافق دمشق با روژاوا، راه‌حل مهار اردوغان

اردشیر زارعی‌قنواتی: بیش از ۱۰ روز است که به دستور «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، به بهانه مبارزه با نیروهای مسلح کرد در مرزهای شمالی سوریه، ارتش ترکیه به کانتون عفرین حمله نظامی کرده است. این تهاجم نظامی به یک کشور مستقل و بدون اجازه دولت قانونی در حوزه حقوق بین‌الملل و تمام معاهدات بین‌المللی نقض آشکار «حق حاکمیت ملی» و در تعبیر روشن، به عنوان یک «تجاوز» شناخته می‌شود. اصولا حمله نظامی به خاک یک کشور مستقل در شرایطی مجاز است که با تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد همراه یا پاسخ به یک حمله از سوی طرف مقابل انجام گرفته باشد. در حمله ارتش ترکیه به عفرین هیچ‌کدام از این دو عامل وجود ندارد چراکه شورای امنیت هیچ قطع‌نامه‌ای دراین‌باره صادر نکرده و نیروهای کردی نیز تا پیش از این حمله هرگز به خاک ترکیه حمله نکرده بودند. جدا از دشمنی تاریخی اردوغان و ساختار سیاسی ترکیه با «مسئله کُرد» و احساس خطر نسبت به شکل‌گیری یک منطقه «فدرال» تحت خودگردانی کردها در استان‌های شمالی هم‌جوار با ترکیه آنچه بهانه لازم را به دست اردوغان داد، همان سناریوی مخرب و تحریک‌آمیز آمریکا برای تشکیل یک «نیروی مرزبانی مستقل» متشکل از ۳۰ هزار نظامی که اکثریت آن را «یگان‌های مدافع خلق» شکل می‌دانند، بود. متأسفانه رهبران سیاسی کرد در ائتلاف حزب «دموکراتیک سوریه» نیز با اشتباه محاسبه بیش از اندازه روی حمایت طرف آمریکایی حساب باز کرده بودند. در شرایطی که حمله ارتش ترکیه با توجه به سرمایه‌گذاری جدید اردوغان روی سوءاستفاده از این بهانه برای ایجاد موج ناسیونالیستی در ترکیه برای استفاده داخلی از قبل مشخص بود، اما نیروهای مدافع عفرین به توصیه‌های پراگماتیستی و مبتنی بر منطق سیاسی روسیه برای واگذاری کنترل عفرین به دولت مرکزی اهمیت لازم را ندادند. در حوزه سیاست و شرایط میدان جنگ به همان اندازه که تصمیم استراتژیک اهمیت دارد، زمان مناسب برای اقدام نیز نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. اصولا هرگونه پذیرش مصالحه و عقد توافق بین «روژاوا» با دولت سوریه در چارچوب نوعی سیستم فدرالی و پذیرش خودگرانی محلی خواهد بود و دو ماه قبل «ولید معلم»، وزیر خارجه سوریه، با اشاره به همین موضوع چنین مکانیسمی را تلویحا از سوی دولت دمشق پذیرفته بود. از طرف دیگر با نوع رفتار جنون‌آمیز و ماجراجویانه همیشگی اردوغان، نیروهای کرد سوریه در عزم طرف ترک برای بحران‌سازی و تهاجم نظامی به مناطق کردنشین از همان ابتدا نباید دچار توهمی می‌شدند و امروز هم باید بدانند که این ماشین جنایت در صورت عدم تغییر در حوزه مناسبات درونی سوریه و صرفا با توهم حمایت آمریکا، به هیچ‌وجه متوقف نخواهد ماند. همچنین از آنجا که طبق ماده پنجم منشور پیمان ناتو، حمله به هر یک از اعضای این ائتلاف به منزله حمله به ناتو است و دیگر اعضا موظف به حمایت از آن عضو هستند و حتی اگر یک عضو ناتو به هر دلیلی خود حمله‌کننده و حتی متجاوز به یک طرف غیرعضو پیمان باشد، هیچ‌کدام از دیگر اعضای ناتو نمی‌توانند علیه آن اقدام کنند و دقیقا به همین دلیل به هیچ‌وجه آمریکا در تقابل با حمله نظامی ترکیه به شمال سوریه قرار نخواهد گرفت.

در چنین شرایطی باید سخنرانی تهدیدآمیز اردوغان در روز جمعه مبنی بر اینکه «ممد کوچک من (اشاره به سربازان عزیزدردانه ترکیه) به سمت عفرین خواهد رفت و ان‌شاءالله به سوی ادلب پیشروی خواهد کرد» را جدی گرفت. از طرف دیگر محور حامی دمشق و به‌ویژه روسیه، هم‌اکنون درگیر «بازی بزرگ» در عرصه بحران سوریه است و حضور دائمی آمریکا در شمال سوریه را بزرگ‌ترین تهدید کنونی لحاظ کرده و همچنین به دلیل مذاکرات «سوچی» که یک پای ثابت آن ترکیه است، سعی می‌کند دست‌به‌عصا راه برود. هرچند روس‌ها بی‌میل نیستند که شاهد تضاد منافع و بروز اختلاف بین آنکارا و واشنگتن دراین‌باره باشند، اما این را هم می‌دانند که در تحلیل نهایی آمریکایی‌ها در مرحله بعدی بحران، اتحاد با ترکیه را فدای حمایت از کردها نخواهند کرد. آنچه روسیه را واداشته تا نسبت به تجاوز ترکیه به عفرین و اصول تمامیت ارضی سوریه خود را بی‌طرف و در موضع انفعالی قرار دهد، نیز تابع این وضعیت است.از طرف دیگر سوریه نیز تا زمانی که به یک توافق ملی با «روژاوا» درباره پذیرش تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی نرسد، بعید است که خود را درگیر جنگ بزرگ با ترکیه کند. به همین دلیل در شرایط کنونی که به لحاظ زمانی «زود دیر می‌شود» کردها و دولت سوریه باید گامی بزرگ برای مصالحه بردارند. در صورتی که این توافق حاصل شود با ورود نیروهای سوریه به مناطق کردنشین حول یک توافق و استقرار در مرزهای شمالی هم بهانه ترکیه برای تأکید بر تهدید شبه‌نظامیان کرد که اردوغان آنان را بازوی سوری پ‌ک‌ک می‌داند، منتفی می‌شود و هم حمله به ارتش قانونی دولت دمشق تبعات حقوقی و ژئوپلیتیک بزرگی را به همراه خواهد داشت که پای روسیه را اتوماتیک‌وار به میان خواهد کشید. در چارچوب این فورماسیون، ترکیه جرئت حمله به دیگر مناطق کردنشین را نخواهد داشت و حتی پیشروی ارتش آن در منطقه عفرین هم در وضعیتی که ارتش سوریه در مقابل آنان صف‌آرایی کرده باشد، متوقف خواهد شد. کلید مهار ماجراجویی‌های اردوغان و متوقف‌کردن این تجاوز که می‌تواند بحران سوریه را در چنبره مشکلات فزاینده جدیدی گرفتار کند، در همان قفل مصالحه و توافق بین دولت دمشق و نیروهای کرد روژاوا خواهد چرخید.

خبر

از سرگیری حملات ترکیه علیه کردهای سوری

● خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داد نیروهای نظامی این کشور در پی بهترشدن شرایط آب‌وهوایی، حملات هوایی و گلوله‌باران مناطق کردنشین در شمال غرب سوریه را از سر گرفته‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، به یک تپه در نزدیکی شهر استراتژیک مرزی اعزاز در عفرین حمله شده است. نیروهای کرد هم گفته‌اند یکی از جنگجویان زن، عملیاتی انتحاری روی یکی از تانک‌های ارتش ترکیه انجام داده است. درهمین‌حال وزارت فرهنگ سوریه، ترکیه را متهم کرده که معبد سه هزارساله «عین داره» را در حملات ۹ روز گذشته تخریب کرده است. نیروهای نظامی ترکیه از هفته گذشته وارد خاک سوریه شده‌اند تا نیروهای کرد را از شهر مرزی عفرین بیرون کنند. ترکیه در عملیات خود از نیروهای ارتش آزاد سوریه و شبه‌نظامیان اسلام‌گرا نیز استفاده می‌کند. ترکیه یگان‌های مدافع خلق (عمده‌ترین گروه ائتلاف نیروهای دموکراتیک سوریه) را شاخه سوری حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و یک گروه «تروریستی» تلقی می‌کند. رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از عملیات نیروهای نظامی این کشور در سوریه دفاع کرد و گفت آنها بعد از عفرین، به سمت منبج می‌روند. او همچنین گفت احتمال دارد عملیات ترکیه تا مرز عراق گسترش پیدا کند.

حمله مردان مسلح به دانشگاه نظامی کابل

● مردان مسلح اوایل بامداد روز دوشنبه به یک آکادمی نظامی در کابل، پایتخت افغانستان، حمله کرده‌اند و به گفته مقامات، درگیری در این ساختمان چندین تلفات در پی داشته است. این سومین حمله در این شهر در روزهای گذشته محسوب می‌شود که داعش مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان، گفت: صبح روز دوشنبه «پنج مهاجم انتحاری» به یک واحد نظامی در نزدیکی دانشگاه نظامی مارشال فهیم حمله کردند. به گفته او، آخرین مهاجم ساعاتی پس از آغاز حمله کشته و سه مهاجم پیش‌تر کشته شده بودند. در همین رابطه این مقام وزارت دفاع افغانستان گفت دو مهاجم بر اثر عملیات انتحاری کشته شده‌اند و نیروهای امنیتی افغان دو نفر دیگر آنان را کشته‌اند و یکی از مهاجمان نیز دستگیر شده است. همچنین به گفته او، پنج نفر از نیروهای امنیتی کشته و ۱۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. سخنگوی وزارت دفاع همچنین گفت ابتدا دو نفر از مهاجمان کوشیدند وارد این واحد نظامی شوند، اما با واکنش نیروهای نظامی مستقر در آنجا مواجه شدند. به گفته وزیری، شماری از سلاح‌های مهاجمان، از جمله یک کمربند انتحاری، چهار راکت‌انداز و چهار کلاشنیکوف مهاجم‌ها به دست نیروهای نظامی افتاده است. شاهدان اعلام کردند صدای چندین انفجار و شلیک را حوالی ساعت پنج صبح به‌وقت محلی شنیده‌اند. کابل روز شنبه هم شاهد یکی از مرگ‌بارترین بمب‌گذاری‌ها بود. محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان، در نخستین واکنش به حمله انتحاری روز شنبه، گفت: طالبان به فرمان «بادار» (ارباب)شان مسئولیت حمله بر غیرنظامیان را بر عهده گرفتند. او در نشست مشترک خبری با جوکو ویدودو، رئیس‌جمهوری اندونزی، افزود: «در گذشته زمانی که شمار تلفات غیرنظامی در حملات زیاد و منجر به رسوایی دشمن می‌شد، طالب‌ها مسئولیت را نمی‌پذیرفتند، ولی این‌بار، خلاف معمول، طالب‌ها با وجود تلفات زیاد مسئولیت این حمله را بر عهده گرفتند».

آگهی اخطار

وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور

آقای سعید قهرمانی (۲۹۲۵۷۶۸۵۹۴۰)
کارمند : اداره کل امور مالیاتی استان خراسان رضوی

نظر به اینکه در اجرای رای شماره ۴/۹۶/۱۲۶/هـب مورخ ۹۶/۰۹/۲۰ صادره از (شعبه چهارم) هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان امور مالیاتی کشور به مجازات ((اخراج از سازمان متبوع)) محکوم شده اید .
بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می گردد ضمنا رای مذکور قابل تجدید نظر می باشد و در صورت اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز پس از نشر آگهی اعتراض خود را به تهران ،میدان امام خمینی (ره) خیابان داور سازمان امور مالیاتی کشور اداره کل منابع انسانی و رفاه (امور قضایی) تسلیم نمایید ، در غیر اینصورت به استناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم الاجرا خواهد بود .

م الف ۳۷۱۱